

فصل

تعاریف، مفاهیم و اهمیت اوقات فراغت



❖ اهداف آموزشی

- ❖ اصطلاح فراغت با استفاده از واژه‌نامه بین‌المللی وبستر
- ❖ تفاوت‌های وقت آزاد با فراغت
- ❖ مقایسه اصطلاح فراغت از دیدگاه دکتر ساروخانی و ارسطو
- ❖ نظریه‌های مختلف و مهم در مورد ارتباط بین کار و اوقات فراغت
- ❖ سه نقش مهم اوقات فراغت از نظر جامعه‌شناسان

□ ریشه لغوی فراغت^۱

واژه اوقات فراغت از دو کلمه اوقات و فراغت ترکیب شده است و ضروری است که قبل از بیان تعریف و مفهوم آن، به معنای لغوی این دو کلمه اشاره شود:

اوقات در لغت جمع کلمه وقت به معنای هنگام‌ها، روزها و ساعت‌ها است. در زبان فارسی فراغت در لغت به معنای آسودگی و آسایش است و به طور معمول در مقابل مشغول بودن و روزمرگی و درگیری‌هایی که موجب خستگی می‌شود به کار برده می‌شود.

در معنای دیگر فراغت به معنای آسایش و استراحت است و آزاد بودن از هر آنچه انسان را به کارهای اجباری وامی‌دارد.

فراغت، آسایش و استراحت، ضد گرفتاری از کار و مشغله و فراغت داشتن یعنی فراموش کردن. معنای مختلف فراغت در فرهنگ‌ها عبارت است از:

پرداختن به فراغت، آسایش، استراحت؛ آسودگی؛ آرامش؛ بی‌اعتنایی؛ وارستگی فرصت و مجال.

در لغت‌نامه «دهخدا» فراغت عبارت است از: آسایش، راحتی، آسودگی، آرامش، فرصت و مهلت.

فراغت در فرهنگ «عمید» عبارت است از: آسایش از کار و شغل.

در فرهنگ «لاروس» اوقات فراغت چنین تعریف شده است: سرگرمی‌ها، تفریحات و فعالیت‌هایی که افراد به هنگام آسودگی از کار عادی با شوق و رغبت به آنها می‌پردازند.

در «قرآن» فراغ به معنای دست کشیدن از کار است.

فراغت در «تفسیر المیزان» به معنای فارغ شدن و در تفسیر مجمع‌البیان طبرسی علاوه بر فارغ شدن، خلاص شدن نیز است.



در زبان انگلیسی فراغت از واژه Leisure و نیز Edse به معنای سهولت، آسانی، راحت، فراغت و آسایش گرفته شده است.

از جمله اصطلاحات دیگری که به معنای فراغت به کار برده شده است، عبارتند از: Freedom, Svelte, Rest در ترجمه به معنای وقت آزاد از کار یا وظایف دیگر، وقت اضافی و یک رشته از فعالیت‌های اضافی.

فراغ یا فراغت در زبان محاوره و ادبیات عامه دارای چند معنای متفاوت است که عبارت است از:

- ❖ فارغ بودن، فراغت داشتن و بیکاری؛
- ❖ دست کشیدن از کار، به پایان رسانیدن امری، رها شدن و رهیدن از کاری و خالی شدن از کوششی؛
- ❖ آسودگی خاطر و آسایش که در برابر رنج و سختی به کار برده می‌شود. (سازمان ملی جوانان،

(۱۳۸۱)

□ تعاریف مختلف فراغت

تعاریف متفاوتی از اوقات فراغت وجود دارد که هرکدام از جنبه‌های مختلف به این پدیده پرداخته‌اند.

مهمترین تعاریفی که در این مورد ارائه شده است عبارتند از:

«فراغت زمانی است که فرد در اختیار خویش است تا به دلخواه از امکانات فردی و محیطی استفاده کند و خود را بازآفرینی کند».

در این تعریف، باید به سه نکته توجه داشت:

- ☆ اول اینکه فعالیت‌های فراغتی اختیاری است؛
- ☆ دوم اینکه امکانات فردی و محیطی برای انجام فعالیت‌های فراغتی محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند؛
- ☆ سوم اینکه هدف از فراغت بازآفرینی است. بازآفرینی در پایین‌ترین سطح خود به معنی تفریح، تمدد اعصاب و ایجاد فرح روحی است ولی در سطوح عالی خود می‌تواند به معنای تکامل فردی و اجتماعی اشخاص باشد. (ذوالاکتاف؛ ۱۳۸۶: ۲۲)

«ژوفر دو مازدیه»^۱، جامعه‌شناس نامدار فرانسوی به طور کلی چهار نوع فعالیت را نام می‌برد:

۱- کار برای امرار معاش؛



۲- تعهد خانوادگی؛

۳- تعهدات فرهنگی، اجتماعی؛

۴- فعالیتی که موجب ابراز وجود و خودشکوفایی فرد است.

به نظر مازدیه فراغت از نوع چهارم است. از دیدگاه وی فراغت، فعالیتی هدفمند است که به انتخاب شخص انجام می‌شود و فردیت شخص را تکامل می‌بخشد.

فراغت فعالیتی است جدا از انتظارات اجتماعی، خانوادگی، دوستان، حکومت و غیره. به طور کلی آنچه فراغت را تشکیل می‌دهد، خود فعالیت نیست بلکه کیفیت و چگونگی تجربه انجام آن فعالیت است.

«ارسطو» بر این باور است که فراغت فعالیتی است به خاطر خود.

واژه‌نامه بین‌المللی وبستر واژه فراغت را چنین تعریف می‌کند: «فراغت به شیوه‌ای فارغ‌البال یا نسبتاً بدون مانع و بدون اجبار انجام می‌شود یعنی آزادانه صورت می‌گیرد. فراغت از آن جهت آزادانه انتخاب می‌شود که نویدبخش نوعی رضایت شخصی است. فراغت جهت‌گیری شخصی و اجتماعی است که فعالیت را به فراغت یا چیز دیگری تبدیل می‌کند.

«جرج لاندبرگ» بر این باور است که وقت فراغت نقطه مقابل تمام اوقات مصروف به آن یعنی فعالیت‌هایی است که به طور کلی وسیله‌هایی برای رسیدن به هدف‌های دیگر هستند نه هدف‌های خودبه‌خودی.

فراغت در علوم اجتماعی چنین آمده است: فراغت به معنی «فرصتی برای وقت آزاد»^۱ (ویلیامز، ۱۹۷۶). البته باید فراغت را از وقت آزاد متمایز کرد، وقت آزاد مجموعه زمانی است که فرد به کار یا اشتغال موظف و به طور کلی به فعالیت برای کسب درآمد، مشغول نیست، در عین حال این زمان از دو بخش فعالیت اجباری و انتخابی تشکیل می‌شود. فعالیت‌های اجباری وقت آزاد، مثلاً زمان لازم برای رفت‌وآمد به محل کار، زمان صرف غذا، دیدار از روی وظیفه خویشاوندان، شستن و مرتب کردن لباس، مراقبت‌های پزشکی و غیره جزء زمان فراغت نیست. بنابراین زمان فراغت فقط بخشی از زمان آزاد است و فعالیت‌هایی را در برمی‌گیرد که فرد بدون اجبار به طور خود انگیخته و بر طبق دلخواست‌های فردی‌اش انتخاب می‌کند. (قاضی مرادی: ۱۳۸۷: ۲۰)

در چنین تلقی، کار فعالیتی است که فرد اجبار در انجام آن دارد و برای انجام آن به طور معمول مزدی دریافت می‌کند، اما فراغت صرف زمانی است که اجباری در انجام دادن آن نیست.



در کتاب مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی آمده است: «فراغت کامل دارای ویژگی‌های زیر است: رها بودن از وظایف، هدف و جهت مادی نداشتن، نشاط و شادمانی، پاسخگویی به نیازهای فرد.

فراغت دو شرط اصلی دارد:

- ① رهایی از تکالیف شغلی، خانوادگی و اجتماعی؛
 - ② پرداختن به اموری که مطبوع است و ساعات تهی بیکاری را پر می‌کند. (بهنام و رافع؛ ۱۳۴۸: ۲۰)
- «باقر ساروخانی» در کتاب دائرةالمعارف علوم اجتماعی گذراندن فراغت را چنین تعریف می‌کند:
- «گذراندن اوقات فراغت، مجموعه فعالیت‌هایی را که شخص به میل خود، خواه برای استراحت، خواه برای تفریح و خواه برای گسترش اطلاعات و ارتباطات آموزشی، شخصی یا مشارکت اجتماعی یا کاربرد توان خود در خلاقیت در زمان فارغ از تعهدات شغلی، خانوادگی و اجتماعی به عهده می‌گیرد. (ساروخانی؛ ۱۳۴۷: ۲۵)
- فراغت وسیله‌ای برای رسیدن به هویت فردی است. افراد در زمان فراغت احساس می‌کنند که تنها در زندگی همراه با فراغت است که آنها به شخصیت واقعی خود دست می‌یابند. فراغت همچنین نوعی مشارکت است که به رضایت نفس می‌انجامد. (بامنل؛ ۱۹۷۸: ۸-۳)
- اوقات فراغت را می‌توان زمانی دانست که انسان از قید تکالیف رسمی رهایی می‌یابد، خود را آزادتر و مستقل‌تر از سایر اوقات حس می‌کند و در این رهگذر ذوق و هنر می‌شکند و فرصت‌های بامعنا و ارزشمندی به وجود می‌آید.
- «ویل دورانت»^۱ معتقد است: تمدن محصول اوقات فراغت ملت‌هاست.
- دکتر علی شریعتی بر این باور است: «هر انسانی در زمان فراغتش بیشتر خودش است تا در اوقات کارش، زیرا در آن لحظه فرد بهترین فرصت‌ها را می‌یابد تا با روح آزاد انسان تماس داشته باشد.»
- در اینجا انسان بدون هیچ قید خارجی، خودش است. (لواسانی؛ ۱۳۸۳: ۴۷)
- انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی فراغت، اوقات فراغت را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از اشتغالات فرد که به طور کامل به رضایت خاطر خود برای استراحت، تفریح یا به منظور توسعه اطلاعات یا آموزش غیر انتفاعی، مشارکت اجتماعی داوطلبانه بعد از آزاد شدن از شغل اجتماعی و خانوادگی به آن می‌پردازد».

1. Will Durant



به طور خلاصه می‌توان گفت: فراغت الزاماً مترادف با تفریح نیست، بلکه زمانی است که فرد آن را به طور آزادانه در اختیار خود دارد و مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که فرد با رضایت خود یا برای استراحت و آرامش، سرگرمی، مشارکت خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و ... به طور داوطلبانه بعد از فعالیت‌های مختلف روزانه یا هفتگی به آن مبادرت می‌کند.

□ ارتباط کار و فراغت

کار فعالیتی است بیشتر برای برآوردن نیازها و زمان فراغت، فعالیتی برای پاسخگویی به دلخواست‌هاست (البته این تمایز نسبی است و نیاز و دلخواست گاه بر هم منطبق می‌شوند). یا اینکه کار، فعالیت موظف یا اجباری و فعالیت زمان فراغت خود انگیزه و آزاد است، از این رو، حتی اگر فعالیت‌های زمان فراغت فرد به طور جمعی انجام شود انتخاب منشأ خودانگیزه و آزادانه این فعالیت‌ها از سوی خود فرد به دور از اجبار اجتماعی سازمان یافته و نهادینه شده، شرط زمان فراغت است.

البته اگرچه فعالیت‌های زمان فراغت هدفمند هستند اما هدف آنها چونان هدف کار یا هدف فعالیت‌های خانگی یا فعالیت‌های سازمان یافته سیاسی - اجتماعی نیست. اهدافی که فرد در زمان فراغت دارد، اهداف تعیین شده از بیرون و اجباری نیست، بلکه درونی است.

برای نمونه ماهیگیر به عنوان فعالیت زمان فراغت هدفی دارد که همان گرفتن ماهی است این هدفی در خود است، هرچند اگر ماهیگیری برای فروش ماهی انجام شود، دیگر فعالیت زمان فراغت نیست. (قاضی مرادی؛ ۱۳۸۷: ۲۱)

نظریه‌های مختلفی در مورد ارتباط بین کار و اوقات فراغت وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از:
نظریه انرژی اضافی: آن قسمت از انرژی که به هنگام کار مورد نیاز نیست، در اوقات فراغت مصرف می‌شود.

نظریه استراحت: عملکرد اصلی اوقات فراغت، استراحت پس از کار است.

نظریه تخلیه هیجان‌ها: هیجان‌های انباشته شده زمان کار و انقباض‌های روانی آن در اوقات فراغت تخلیه می‌شود.

نظریه جبران: اوقات فراغت، امکان جبران اجبارها، سرخوردگی‌ها، نواقص و کمبودهایی را که در هنگام کار به وجود می‌آیند فراهم می‌کند.



نظریه تضاد: اوقات فراغت در تضاد کامل با کار است.

نظریه تشابه: کار و اوقات فراغت زمینه‌های مشابهی دارند.

نظریه کاهش: کمبود تجربیات شخصی در زمینه کار موجب می‌شود که فعالیت‌های اوقات فراغت دچار نقصان شود.

□ اهمیت اوقات فراغت

با توجه به پیچیدگی زندگی انسان امروزی و پیچ‌وتاب زندگی صنعتی و اقتصادی، انسان محکوم به زندگی پرشتاب و در نتیجه مملو از تشویش و اضطراب است، در جامعه امروز، انسان بیش از هر زمان دیگر نیازمند آرامش فکر، استراحت جسم و شکوفایی استعداد خود است. از این رو، حاکمیت نظام کار بر زندگی انسان جامعه امروزی، برای متفکران این نگرانی را ایجاد کرده که همزیستی انسان و ماشین سرانجام به بی‌روح شدن و ابزار شدن انسان بینجامد. بنابراین برای رهایی انسان از دام از خودبیگانگی به طرح موضوع فراغت در مقابل کار پرداخته شده است. بدین معنا که افراد از ساعت‌های غیر کاری به عنوان فرصتی برای بازیافت خود و دریافت هویت معنوی خود استفاده کنند. (سازمان ملی جوانان؛ ۱۳۸۱)

زیرا لازمه فعالیت در بخش‌های مختلف، تجدید قوا است، هر اندازه تجدید قوای کارگران، کارمندان و ... مطلوب‌تر باشد راندمان و بازدهی اقتصادی، بیشتر خواهد بود.

جامعه‌شناسان سه نقش را برای اوقات فراغت برمی‌شمارند:

✧ رفع خستگی، تفریح و سرگرمی؛

✧ امکان بالا بردن سطح آگاهی، مشارکت آزاد اجتماعی؛

✧ پرورش استعدادها.

این سه کاربرد با یکدیگر مرتبط هستند و اوقات فراغت مجموعه این سه جنبه را در خود داراست. با توجه به اهمیت اوقات فراغت در شکل‌گیری ابعاد مختلف شخصیت افراد و تأثیر آن در فرایند رشد و تکامل شخصیت اجتماعی، مقوله چگونگی گذران اوقات فراغت همواره مورد توجه علمای تعلیم و تربیت و جامعه‌شناسان از یک سو و صاحبان سرمایه و دست‌اندرکاران سیاست از سوی دیگر بوده است.

به طوری که جرم‌شناسان و نظریه‌پردازان اجتماعی بر این باورند که ریشه بسیاری از تبهکاری‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی در عدم برنامه‌ریزی و استفاده صحیح از اوقات فراغت است.

گذران اوقات فراغت چنانچه به شیوه‌ای مناسب صورت گیرد از دیدگاه روان‌شناختی موجب تعادل روحی خواهد شد. در این مورد پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته که به عنوان نمونه به پژوهش «هوارد تنیس»^۱ و «باربارا الورد»^۲ اشاره می‌کنیم، این دو پژوهشگر کوشیدند تا تأثیر مشارکت در فعالیت‌های مناسب اوقات فراغت را در برآوردن نیازهای مادی و معنوی انسان و ایجاد تعادل روحی آنها مورد بررسی قرار دهند.

برای این منظور ۱۲ فعالیت فراغتی را انتخاب و از ۳۷۷۱ نفر در مورد اوقات فراغت سؤال شد و رابطه مشخص میان برآوردن نیازهای روحی و پرداختن به ۱۲ فعالیت فراغتی تشخیص داده شد. بر اساس این پژوهش چنانچه گذران اوقات فراغت، متناسب با نیازهای انسان صورت گیرد بر بهداشت روانی فرد تأثیر مثبت خواهد گذاشت (زارعی؛ ۱۳۸۰: ۱۸-۱۱). چنانچه ژوفر دومازدیه جامعه‌شناس نامدار فرانسوی بر این باور است که:

❧ فراغت به آدمی فرصت می‌دهد که خستگی کار را از تن خود بیرون کند؛

❧ از طریق تفریح بتواند از خستگی ناشی از انجام وظایف تکراری و محدود روزانه رها شود؛

❧ فرد لحظاتی از تحمیل‌ها و قراردادهای اجتماعی رها شده و خلاقیت در وی تقویت شود.

بنابراین برنامه‌ریزی صحیح و مناسب جهت اختصاص دادن امکانات فراغتی مناسب و سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی، ضروری به نظر می‌رسد و از آنجا که جامعه ایران، جامعه‌ای جوان است، قرار دادن امکانات مناسب گذران اوقات فراغت برای جوانان ضروری است. از سوی دیگر آگاهی‌رسانی مناسب و به موقع به والدین در جهت برنامه‌ریزی صحیح برای فرزندانشان از مهمترین عوامل جلوگیری از بزهکاری و انحرافات اجتماعی است.

1. H. Teniss

2. Barbara ellord



📖 خلاصه فصل اول

- ✍ واژه اوقات فراغت از دو کلمه اوقات و فراغت ترکیب شده است.
- ✍ اوقات در لغت جمع کلمه وقت یعنی هنگامها، روزها، ساعت‌ها تعریف شده است.
- ✍ فراغت، آسایش، استراحت، ضد گرفتاری است.
- ✍ از دیدگاه باقر ساروخانی فراغت یعنی مجموعه فعالیت‌هایی که شخص به میل خود برای استراحت و ... به کار می‌برد.
- ✍ فراغت عبارت است از زمانی که فرد آن را به طور آزادانه با رضایت خود برای استراحت و غیره به طور داوطلبانه می‌گذراند.
- ✍ با توجه به پیچیدگی زندگی امروزی انسان بیش از هر زمان دیگری نیازمند آرامش فکر و جسم است.
- ✍ لازمه فعالیت در بخش‌های مختلف، تجدید قواست، هر اندازه تجدید قوای افراد بیشتر باشد بازدهی اقتصادی بیشتر خواهد بود.



۸ خودآزمایی فصل اول

- ۱- ریشه لغوی اوقات فراغت را بررسی کنید.
- ۲- فراغت را از دیدگاه مازدیه شرح دهید.
- ۳- دیدگاه دکتر باقر ساروخانی را در مورد فراغت بنویسید.
- ۴- اهمیت فراغت را در زندگی انسان تحلیل کنید.
- ۵- نظریه‌های مختلف بین کار و اوقات فراغت را بیان کنید.
- ۶- نقش‌های اوقات فراغت از دیدگاه جامعه‌شناسان چیست؟

فصل

پیدایش اوقات فراغت، نظریه‌های متفکران



❖ اهداف آموزشی

- ❖ نحوه پیدایش اوقات فراغت
- ❖ تصور آتنی‌ها از فراغت
- ❖ شرایطی که جامعه‌شناسان برای اوقات فراغت در نظر گرفته‌اند
- ❖ نقش رایزمن و مارگارت مید در مورد فراغت
- ❖ نظریه‌های مربوط به پیدایش فراغت و گرایش انسان به فراغت

□ مقدمه

در تمدن یونان قدیم داستان‌های خیالی و موهوم، جشن‌های سالانه، ماهیانه و انواع ورزش‌های پهلوانی، بازی‌های المپیک، نمایش‌نامه‌ها، تئاتر، موسیقی و شعر وجود داشت، در امپراطوری روم نیز با صور تازه‌ای از اوقات فراغت روبه‌رو می‌شویم، مانند مسابقات، جنگ‌ها، گلاادیاتورها، نمایش‌های کمدی و خنده‌آور، گرمابه‌های عمومی مخصوص روم قدیم. (اردلان؛ ۱۳۵۲: ۶۷)

در مصر باستان نیز ورزش مهمترین عامل گذراندن اوقات فراغت مردم تلقی می‌شد. به‌خصوص در موقع تغییر زندگی از نحوه ابتدایی به سمت مدنیت توجه به تربیت بدنی بیشتر شد.

ژیمناستیک و کشتی از قدیم به افتخار خدایان انجام می‌شد و بعد از آن کشتی بیشتر رواج یافت که موجب سرگرمی افراد می‌شد، نکته مهم از مصر قدیم شرکت زنان در فعالیت‌های مختلف ورزشی بود، حرکات موزون در میان آن قوم وجود داشت و همه طبقات آن را اجرا می‌کردند، اعیان و اشراف در حرکات موزون مذهبی شرکت می‌کردند که این امر برای عده‌ای، سرگرمی و برای برخی دیگر جزو حرفه و شغل به کار می‌رفت. (حسین‌زاده؛ ۱۳۷۲: ۷۴)

اوقات فراغت در اجتماعات اولیه ارتباط تنگاتنگی با مراسم مذهبی داشت. این مراسم بخش عظیمی از زندگی انسان‌ها را به شکل قبیله‌ای یا سالاری تشکیل می‌داد.

در مراسم مذهبی اعمالی انجام می‌شد که مشخصات فعالیت‌های تفریحی را داشتند. ابتدا اعمال برای مواردی مثل فرجام جهانی، خشنود ساختن خدایان، تحکم تعهدات و وظایف اجتماعی و غیر از آن انجام می‌شد.

در نهایت این فعالیت‌ها که اغلب در زمان فراغت صورت می‌گرفت با هدف انجام مراسم مذهبی یا تحول این آیین‌ها و مراسم انجام می‌شد مثال‌هایی از جوامع مختلف نشان می‌دهد که این فعالیت‌ها قبل از ایجاد جامعه اولیه به صورت دسته‌جمعی و مشارکتی بوده است. پس از اینکه قدرت سیاسی موروثی شد نظام فئودالی خاتمه یافت طبقه تن‌آسا شکل گرفت و گروهی به صورت شنونده یا تماشاچی زمان را به بطالت و بیهوده تلف می‌کردند. (شعاعی؛ ۱۳۸۵: ۵۷)



قبل از انقلاب صنعتی، اوقات فراغت از کار تفکیک نشده بود و در این زمان مردم به طور مداوم کار می‌کردند و زمانی که طبیعت به آنها اجازه کار نمی‌داد، به اجبار دست از کار می‌کشیدند، به عنوان مثال کشاورزان در جامعه سنتی در تمام سال مشغول به کار بودند و فقط در ایامی که شرایط طبیعی به آنها اجازه کار نمی‌داد، اوقات فراغت آنها فرا می‌رسید.

اما بعد از انقلاب صنعتی زمان کار تعریف شد، مدت کار به عنوان یکی از مبانی تولید محاسبه شد و در نتیجه فراغت از زمان کار تفکیک شد. بنابراین مبنای پیدایش اوقات فراغت در مفهوم جدید آن به انقلاب صنعتی بر می‌گردد. در اوایل انقلاب صنعتی ساعت‌های کار به قدری زیاد بود که در عمل اوقات فراغت باقی نمی‌ماند، در حدود سال ۱۸۴۰ م. میزان کار در کارخانه‌ها تقریباً ۷۵ ساعت در هفته بود. (سعیدی؛ ۱۳۷۲: ۵۰)

بعد از انقلاب صنعتی، رفتن به تعطیلات و فراغت، بخشی از اهداف طبقه کارگر و هدف جنبش کارگری بود که از طریق اتحادیه‌های کارگری تحت عنوان مرخصی با استفاده از حقوق و دستمزد دنبال می‌شد. البته جنبش کارگری در ابتدا بیشتر اوقات فراغت را با پول در تنش می‌دید است. لذا در تاریخ کارگری مسأله استفاده از تعطیلات و داشتن اوقات فراغت با دریافت پول در دستور کار این جنبش قرار گرفت. کاهش ساعات کار و حق استفاده از مرخصی با حقوق از دستاوردهای اتحادیه‌های کارگری در اوایل دهه ۱۹۳۰ در غرب بود. این مسأله با رشد جنبشی هم‌زمان است که به زبان «کمبل»^۱ می‌توان آن را جنبش رشد اخلاق مصرفی نام‌گذاری کرد.

«کمبل»، با استفاده واژه‌ای از «ماکس وبر»^۲ در کتاب اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری اخلاق مصرف را در مقابل اخلاق تولید می‌گذارد. یعنی مصرف زمان دیگر ضد ارزش تلقی نمی‌شود. به هر حال تمامی حقوقی که کارگران مطالبه کردند در پی جنبش اوقات فراغت تقاضا شد. بنابراین افزایش استفاده از مرخصی همراه با حقوق برابر است با رشد صنعت فراغت. از این رو تعریف فراغت در جامعه صنعتی بر این اساس بود که فراغت واقعی زمانی است که شما در ازای فعالیتی که انجام می‌دهید پولی دریافت نمی‌کنید.

همین طور می‌توان گفت که نهادهای شدن اوقات فراغت جدید مربوط است به رشد دولت رفاه^۳ یعنی رشد خدمات و بیمه جمعی یا به عبارت دیگر مدیریت ریسک برای تضمین حداقل زندگی از جمله استفاده از اوقات فراغت حتی در مواقع بیکاری و بازنشستگی.

1. Campbell

2. Max Weber

3. Welfare state